روزنامه شرق

جهان

عبدالرضا کاهانی: وادارم کردند اعتراض کنم — صفحه ۱۰

«آرنالدو پومودورو» به روایت مارکو مِنگوتزو، مورخ و پژوهشگر ایتالیایی — صفحه ۱۱

دولت انگیزه‌ای برای صرفه‌جویی ندارد — صفحه ۱۲

گفت‌وگوی یکی از اعضای ائتلاف مخالفان سوری در آستانه نشست روسیه:

با هدف «مذاکره برای مذاکره»، به مسکو نمی‌رویم

محمدعلی دستمالی

پس از گذشت سال‌ها از بحران سوریه اکنون آمریکا و غرب نیز به این نتیجه رسیده‌اند که حل اختلافات در سوریه بدون «بشار اسد» رییس‌جمهوری این کشور امکان‌پذیر نیست. اسد نیز بارها گفته است بحران را باید از طریق گفت‌وگو حل کنیم. رییس‌جمهوری سوریه تاکید می‌کند «برای به ثمرنشستن گفت‌وگوها، نیازمند استمرار مبارزه با تروریسم و پیگیری فشار بر کشورهایی هستیم که از تروریسم حمایت می‌کنند.» روسیه نیز در این میان سعی می‌کند تا دولت دمشق را راضی کند تا با مخالفانش پای میز گفت‌وگو بنشیند؛ مخالفانی که اکنون و پس از گذشت بیش از سه‌سال به‌شدت چندپاره شده‌اند و بارها با برگزاری انتخابات متعدد، رییس جدید برای خود برگزیده‌اند. «محمد خیر بنگو» از اعضای کمیته- سیاسی ائتلاف مخالفان که به‌تازگی در نشست آنکارا شرکت کرده است، در گفت‌وگو با «شرق» از شرایط سیاسی حاکم بر ائتلاف مخالفان و نحوه انتخاب رییس جدید این ائتلاف می‌گوید. او بر این باور است: «در ائتلاف مخالفان سوری، مشکلات و اختلافاتی به وجود آمد و به عقیده من، اختلافات و تناقضات داخلی، موجب شد که ما نتوانیم کار اصلی خود را انجام دهیم. دوستان ما در ائتلاف مخالفان، وقت خود را صرف رقابت‌ها کردند و همین مساله موجب شد که ما تا حد زیادی شکست بخوریم.» این سیاستمدار کُرد سوری از آغاز بحران سوریه کشورش را ترک کرده و به ترکیه رفته است. او که دوروز پس از پایان انتخابات داخلی ائتلاف و معرفی «خالد خوجه» به‌عنوان سیاستمدار ترکمن سوری به‌عنوان رییس جدید مخالفان به اروپا رفته، در یک گفت‌وگوی یک‌ساعته به پرسش‌های «شرق» پاسخ داد:

آیا شما هنوز هم عضو کمیته سیاسی ائتلاف هستید؟ آیا در جریان آخرین تصمیمات و برنامه‌های سیاسی ائتلاف هستید؟

من هنوز هم عضو شورای ائتلاف هستم اما راستش را بخواهید، مدتی است از رهبر حزبم خواسته‌ام تا فرد دیگری را به‌جای من به استانبول بفرستند. البته فرد جایگزین من هنوز معرفی نشده و من در انتخابات اخیر نیز در مجمع چندروزه استانبول حضور داشتم و در جریان برنامه‌ها و تصمیمات ائتلاف هستم.

آیا شما از حضور در ائتلاف مخالفان در استانبول خسته شده‌اید؟

نه، بحث خسته‌شدن نیست. مدت مدیدی است که من به‌عنوان عضو کمیته سیاسی، در ائتلاف مخالفان سوری در استانبول حضور دارم. اما واقعیت این است که ما به بخش مهمی از اهداف خود دست پیدا نکرده‌ایم. از این گذشته در حزب ما نیز مشکلاتی وجود دارد. می‌دانید که من در ائتلاف، یک شخص حقیقی نیستم و به‌عنوان یک عضو حقوقی، از منافع و مصالح شورای میهنی کردهای سوری در ائتلاف دفاع می‌کنم. از این گذشته در مورد اداره حزب ما نیز مشکلاتی وجود دارد و لازم است در حزب ما تغییراتی صورت بگیرد.

در مورد انتخابات اخیر برایمان صحبت کنید. ائتلاف مخالفان سوری، پیش‌تر روسای عرب، کُرد و مسیحی داشته‌اند و این‌بار دکتر خالد خوجه که از ترکمن‌های سوری است به‌عنوان رییس جدید معرفی شده است؟

واقعیت این است که ما به‌عنوان اعضای شورای میهنی کردهای سوریه در برگزیده‌شدن جناب خالد خوجه نقش مهمی ایفا کردیم. طی هفته‌های اخیر، در ائتلاف مخالفان سوری، مشکلات و اختلافاتی به وجود آمد و به عقیده من، اختلافات و تناقضات داخلی، موجب شد که ما نتوانیم کار اصلی خود را انجام دهیم. بگذارید بی‌تعارف بگویم، دوستان ما در ائتلاف مخالفان، وقت خود را صرف رقابت‌ها و اختلافات داخلی کردند و هدفی به نام رسیدن به کرسی ریاست ائتلاف، ریاست حکومت موقت یا کرسی دبیرکلی ائتلاف، دغدغه اصلی را تا حد زیادی از ذهن ما پاک کرد و همین مساله موجب شد که ما تا حد زیادی شکست بخوریم. در داخل ائتلاف، جناح‌ها و دسته‌های مختلفی وجود دارد و با وجود همه تلاش‌های ما در کمیته سیاسی، امکان اتحاد و انسجام این گروه‌ها به وجود نیامد و شاهد این هستیم که دو قطب اصلی در ائتلاف به وجود آمده و این مساله، بر انتخابات اخیر نیز اثر گذاشت. خالد خوجه نماینده مخالفان سوری در ترکیه بود و گروه حامی او، افکار و آمالی داشتند که ما کردها نمی‌پسندیم و از آنجایی که مطالبات کُردی برای ما از اهمیت ویژه‌ای دارد و دیدگاه‌های او را در مسیر تحقق این مطالبات، مناسب یافتیم؛ از او حمایت کردیم و رقیب او «نصر حریری» شکست خورد.

ما هم‌اکنون در شرایط حساسی هستیم و جامعه جهانی هم تا حد زیادی رویکرد خود را تغییر داده و به‌جای تلاش برای تغییر نظام سیاسی سوریه، جنگ با گروه‌های تندرو را به هدف اصلی تبدیل کرده است. در این شرایط، مهم است که رییس جدید بتواند انسجام داخلی ائتلاف مخالفان را تقویت کند. در مورد خوجه باید بگویم که شناخت ما از ایشان کامل نیست، اما با این حال همه ما امیدواریم که او بتواند نقش خود را به درستی ایفا کند.

می‌دانیم که شورای میهنی کردهای سوری در ائتلاف مخالفان سوری، ۱۱ کرسی در اختیار دارد. آیا همه شما به آقای خوجه رای دادید؟

خیر متاسفانه دوتن از رفقای ما در کنار ما نایستادند و به آقای حریری رای دادند. حامیان حریری قصد داشتند که آن دونفر را علیه ما تحریک کنند. ما برای حل این مشکل، دچار اختلاف شدیم، اما طرح حامیان حریری برای ایجاد اختلاف در صف اعضای کُردی ائتلاف، فرجام نیافت و ۹نفر از ما به خوجه رای دادیم.

آیا اعضای نزدیک به اخوان‌المسلمین هم از آقای خوجه حمایت کردند؟

خیر، بسیاری از اعضای نزدیک به اخوان‌المسلمین و چند طیف دیگر، یک جناح جدید به نام ائتلاف الوطنی به وجود آورده‌اند و از نصر حریری حمایت کردند.

آقای خالد خوجه، ترکمن است و پیش‌تر نماینده ائتلاف مخالفان در ترکیه بوده است. با این حساب می‌توانیم بگوییم که خط عربستان تا حدودی دچار شکست شده و خط ترکیه و قطر توانسته توفیق بیشتری به دست بیاورد.

اغلب کسانی که تحت‌تاثیر عربستان‌سعودی قرار گرفته بودند، از خوجه حمایت کردند؛ مثلا احمد «عاصی الجربا» نیز در کنار خوجه ایستاد. می‌دانید که خالد خوجه ۳۰سال در ترکیه زندگی کرده و تحصیلات خود را در این کشور به پایان رسانده است و قاعدتا به خط ترکیه و قطر نزدیک‌تر است، اما نمی‌توان خوجه را مخالف عربستان دانست و به نظر من ریاض نیز از این انتخاب راضی است.

آیا ائتلاف مخالفان سوری در مورد «بشار اسد» رییس‌جمهوری سوریه به توافق رسیده است؟ در شرایط کنونی که کشورهای خارجی، همچون گذشته از ضرورت کنارگذاشتن اسد حرف نمی‌زنند، ائتلاف مخالفان در مورد این موضوع چگونه می‌اندیشد؟

تا این لحظه‌ای که من با شما صحبت می‌کنم؛ اغلب دوستان ما در ائتلاف، معتقدند راه‌حل سیاسی مناسب برای پایان‌دادن به بحران سوریه، تبعیت از تصمیمات ژنو۱ و ایجاد حکومتی انتقالی است. روس‌ها در این مورد نظر دیگری دارند و به ما می‌گویند این موضوع به ما ربطی ندارد. بروید با دمشق مذاکره کنید، هر نتیجه‌ای که بگیرید، برای ما نیز قابل قبول است. اما تحلیل و تصمیم نهایی ما این است که باید دولت انتقالی تشکیل شود، روند طبیعی طی شود و رفته‌رفته زمینه‌های لازم برای برگزاری انتخابات هموار شود و ملت سوریه سرنوشت خود را تعیین کند. قاعدتا انتخابات باید تحت نظارت سازمان‌ملل و ناظران خارجی برگزار شود.

برخی از رسانه‌های جهان و منطقه اعلام کردند که آقای «معاذ الخطیب» با دمشق و مسکو به توافق رسیده و قرار است در یک کابینه جدید، خطیب به توصیه روسیه نخست‌وزیر شود و بشار اسد نیز تمام قدرت نظامی و امنیتی سوریه را در دست خود حفظ کند. اما چندروز بعد از آن الخطیب نیز اعلام کرد حاضر نیست در مذاکرات مسکو حضور پیدا کند.

معاذ الخطیب، به‌دنبال راهی می‌گردد تا هرجوری شده به سهم خود، مانع از تداوم درگیری‌ها در سوریه شود. اما به اعتقاد بنده، ایشان نتوانسته در مقام یک سیاستمدار توانمند و آگاه، به درک و قرائت درست و روشنی از شرایط کنونی سوریه دست پیدا کند. به همین‌خاطر در هر محفل و همایشی حضور پیدا می‌کند و به همین‌خاطر به روسیه نیز سفر کرد. اما خودش هم

> **طی هفته‌های اخیر، در ائتلاف مخالفان سوری، اختلافاتی به وجود آمد تناقضات داخلی، موجب شد که ما نتوانیم کار اصلی خود را انجام دهیم. بگذارید بی‌تعارف بگویم، دوستان ما در ائتلاف مخالفان، وقت خود را صرف رقابت‌ها و اختلافات داخلی کردند و هدفی به نام رسیدن به کرسی ریاست ائتلاف، ریاست حکومت موقت یا کرسی دبیرکلی ائتلاف، دغدغه اصلی را تا حد زیادی از ذهن ما پاک کرد**

اعلام کرد که نتوانسته با آنان به توافق برسد. پیداست که ایشان تلاش‌های فراوانی کرده اما نتوانسته با آنان به توافق برسد. او به‌دنبال آن بود که همه مخالفان سوری را با هم متحد کرده و آنان را به روسیه ببرد اما چنین چیزی عملی نشد. ایشان در شرایط فعلی عضو ائتلاف مخالفان نیست و به‌عنوان یک فرد خیرخواه و مستقل در این حوزه فعالیت می‌کند.

پس از آنکه معاذ الخطیب اعلام کرد که در مذاکرات مسکو شرکت نمی‌کند، خالد خوجه نیز از این موضوع خبر داد که ائتلاف مخالفان، به مسکو دعوت نشده است. آیا این مساله می‌تواند باعث شود که روسیه نتواند مذاکرات مزبور را برگزار کند؟

ما معتقدیم که نشست قاهره می‌تواند زمینه‌های مساعدی را برای گردهمایی و گفت‌وگو در حوزه سوری -سوری به وجود بیاورد و در آنجا بر سر مسکو نیز بحث شود. همچنان‌که دکتر خوجه اعلام کرده، ائتلاف مخالفان به‌صورت گروهی دعوت نشده اما دعوتنامه برای چندنفر ارسال شده است. مثلا دکتر صلاح درویش (سیاستمدار کُرد سوری نزدیک به بارزانی)، هادی البحره (رییس پیشین ائتلاف) و دکتر عبدالباسط سیدا (سیاستمدار کُرد سوری و رییس پیشین شورای ملی)، از افرادی بودند که به‌عنوان شخص حقیقی، برایشان دعوتنامه ارسال شده است.

آیا شما شخصا با میخاییل بوگدانوف دیدار کردید؟

بله. آقای بوگدانوف در استانبول با ما دیدار کرد و من نیز در این جلسه به‌عنوان عضو کمیته سیاسی حضور پیدا کردم. چیزی که من و سایر دوستانمان متوجه شدیم، این بود که روسیه پروژه خاصی برای حل بحران ندارد و زیرساخت‌های لازم برای برگزاری یک مذاکره جدی، به وجود نیامده است. قطعا پیش از هر مذاکره‌ای، باید دست‌کم تصور روشنی در مورد توافقات احتمالی وجود داشته باشد. بوگدانوف اعلام کرد که در پروژه مسکو، یک گروه ۳۱نفره برای حضور در مذاکرات دعوت می‌شود و سپس این گروه تلاش می‌کند تا پس از گفت‌وگوهای داخلی، در مورد چندوچون مذاکره و توافق با دمشق، به نتیجه‌هایی برسد. اما این درست نیست. بحران سوریه عمیق‌تر از آن است که بشود با چنین معادله ساده‌ای آن را حل کرد.

چرا ۳۱نفر؟ دلیل خاصی وجود دارد؟

نه. تصور نمی‌کنم دلیل خاصی وجود داشته باشد. آنان در تعیین تعداد حاضران و دعوت از مذاکره‌کنندگان، طبق میل خود رفتار کردند. بگذارید بی‌تعارف بگویم، روسیه افرادی را دعوت کرده که بسیاری از آنان مورد اعتراض ما هستند. ما اعلام کردیم که اگر به‌دنبال انجام اقدام جدی هستید، باید اهداف بزرگ‌تری داشته باشید. با ادبیاتی صریح و روشن، در کمیته سیاسی، به روس‌ها گفتیم ما هم با شورای ملی هماهنگی مخالفان سوری مستقر در دمشق و هم با دیگر گروه‌ها در ارتباط مداوم هستیم و لازم نیست شما زحمت بکشید ما را در مسکو جمع کنید که با هم به توافق برسیم چراکه از قبل مذاکره کرده‌ایم و رابطه داریم. آن چیزی که برای ما لازم است این است که خود شما نیز یاری‌گر شوید و نقشه راه داشته باشید، ضمانت ارایه دهید، با دمشق گفت‌وگو کنید و شرایط طوری باشد که بتوانیم به توافق برسیم. ما همان‌جا به بوگدانوف گفتیم سوریه، پیش‌تر به‌راحتی تمام توافقات ژنوا را رد کرد و شما کار خاصی نکردید. حالا اگر قرار است مذاکره‌ای جدی برگزار شود، حتما باید در حوزه اجرایی هم از اعتبار و ضمانت لازم برخوردار باشد. اگر نه ما حاضر نیستیم با هدفی به نام «مذاکره برای مذاکره» به مسکو بیاییم. اساسا می‌توان مذاکرات را در یک مکان سوم برگزار کرد؛ یعنی نه در استانبول و نه در مسکو، بلکه می‌توان در جایی دیگر مذاکره کرد و از طرحی همچون ژنو۳ سخن به میان آورد.

آیا شما آن فهرست ۳۱نفره را دیدید؟ آقای «صالح مسلم»، رهبر حزب اتحاد دموکراتیک کردهای سوریه (PYD) چندی پیش در مسکو با بوگدانوف دیدار کرد. آیا نام ایشان هم در میان دعوت‌شدگان است؟

من از همه اسامی اطلاع ندارم. اما می‌دانم که تعدادی از اعضای شورای ملی هماهنگی (تنسیق) نیز دعوت شده‌اند و مسکو از افرادی همچون حسن عبدالعظیم، لویی حسین و قدری جمیل هم دعوت کرده است. نمی‌دانم صالح مسلم هم دعوت شده یا نه. البته در فهرست مدعوین نام افرادی نیز وجود دارد که از نظر ما مظنون و مورد ظن و گمان هستند. من نمی‌خواهم به این اسامی اشاره کنم. اما دعوت از چنین افرادی را صحیح نمی‌دانیم. از دیگر سو، روسیه از نظر ما طرف سوم نیست و این کشور هنوز هم حامی سیاسی و نظامی اسد است.

آیا ارتش آزاد سوریه حاضر است از همه تصمیمات ائتلاف مخالفان سوری تبعیت کند؟

اگر بخواهیم به شکل واقعی و صادقانه به این پرسش، پاسخ بدهیم، باید بگویم پدیده و سازمان منسجم و معینی به نام ارتش آزاد سوریه وجود ندارد که مثلا بخواهد تبعیت کند یا نکند. این گروه‌ها دارای نظم و انسجام نیستند و دچار تشتت شده‌اند. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و اهداف ائتلاف مخالفان سوری مقیم استانبول، این است که همه این گروه‌ها را با هم مرتبط کرده و آنان را در یک مجموعه واحد و منسجم، گرد هم آورد. این راهی است برای آنکه یک ارتش ملی و سازمان‌یافته به وجود بیاید. به موازات این موضوع، مساله آموزش نیروها نیز برای ائتلاف مهم است. این گروه‌ها الان در شرایطی هستند که از همدیگر تبعیت نمی‌کنند، به‌صورت ناهماهنگ عمل می‌کنند و چنین چیزی نمی‌تواند نتیجه‌بخش باشد. اینکه نمی‌شود عده‌ای جمع شوند و مثلا اعلام کنند که ما به‌عنوان گروه جبهه الفلان، بلادالشام، حلب و دیگر اسامی گرد هم آمده‌ایم و دوباره پس از چندروز متفرق شوند.

گفته می‌شود که آمریکا می‌خواهد در عرض سه‌سال، ۱۵هزارنفر از نیروهای مخالف سوری را در ترکیه، عربستان و اردن آموزش دهد و به‌ظاهر تعیین اسامی این افراد و معرفی آنها به‌منظور شرکت در دوره‌های نظامی ویژه، برعهده ائتلاف مخالفان سوری است و سرویس اطلاعاتی میت ترکیه نیز در این امر دخیل است. اگر ممکن است در مورد این پروژه و ابعاد و اهداف آن توضیح دهید.

این پروژه به‌زودی آغاز به کار می‌کند و ترکیه، عربستان، اردن و قطر در آن سهیم هستند. من نشنیده‌ام که قرار است معرفی افراد از سوی ائتلاف و سرویس میت ترکیه باشد. اما آنچه اهمیت دارد این است که افرادی از سوی ائتلاف معرفی می‌شوند، لازم است افراد منتخب، دارای سوابق سوء و دارای گرایش به افراط نباشند. ما که نمی‌خواهیم یک گروه خشن و راهزن پرورش بدهیم. لازم است افراد مناسبی انتخاب شوند. قاعدتا ترکیه نیز به‌عنوان میزبان و کشوری که در این پروژه سهیم است، همکاری می‌کند اما من نشنیده‌ام که اسامی از سوی میت تعیین شوند.

آیا تشکیل یک ارتش ۱۵هزارنفری تحت‌نظر آمریکا، به این معنی است که از نظر ائتلاف مخالفان، در حوزه تلاش برای حل بحران سوریه؛ راهکار نظامی بر راهکار سیاسی ترجیح دارد؟

ائتلاف، ماهیت سیاسی دارد اما چنین چیزی به این معنی نیست که نیروی دفاعی تربیت نشود. ما می‌خواهیم چنین چیزی به معنی پایه‌گذاری یک ارتش ملی و قدرتمند برای آینده سوریه باشد.

ادامه در صفحه ۱۹

یادداشت

اوباما و سایه انتخابات درون‌حزبی

رها معتمدی: بسیاری از آمریکایی‌ها در سال۲۰۰۸ میلادی تنها به یک‌دلیل «باراک اوباما» را به‌عنوان نخستین رییس‌جمهور سیاهپوست آمریکا انتخاب کردند؛ آنان توقع داشتند که اوباما اوضاع اقتصادی این کشور را سروسامان دهد. برای بسیاری از آمریکایی‌ها شرایط اقتصادی در آن زمان یادآور افول اقتصادی دهه۸۰میلادی بود؛ در آن زمان نیز «دونالد ریگان» بار دیگر انتخاب شد تا شاید آمریکا از رکود اقتصادی خارج شود. این اتفاق بار دیگر در زمان «بیل کلینتون» روی داد و حالا در دوسال پایانی ریاست‌جمهوری اوباما، نوبت خارج‌شدن از رکود اقتصادی به دستان او وابسته است. اگرچه محرک مالی خاصی برای بهبود اقتصادی وجود ندارد اما کاهش قیمت نفت و به‌تبع آن کاهش قیمت بنزین و به‌صفررسیدن نرخ بهره توسط بانک فدرال‌رزرو می‌تواند برای اقتصاد آمریکا شکوفایی ایجاد کند. آمارهای اقتصادی در سه‌ماهه پایانی سال۲۰۱۴ نشان می‌دهد که خارج‌شدن از رکود اقتصادی امری غیرممکن نیست. کنگره ایالات‌متحده با وجود اختلافات بسیاری که جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها با یکدیگر داشتند، لایحه بودجه سال مالی۲۰۱۵ را تصویب کرد. این امر در حالی رخ داد که حدود یک‌سوم نمایندگان جمهوریخواه قصد داشتند به این لایحه رای منفی بدهند و در طرف مقابل دموکرات‌ها از اوباما خواسته بودند این لایحه را وتو کند. اما هیچ‌کدام از این اتفاقات نیفتاد زیرا خشم مردم آمریکا در صورت تعطیلی دوباره دولت دیگر غیرقابل‌کنترل می‌شد. پیش‌بینی شده است اقدام سیاسی برای خوشایند مردم به‌ویژه با نزدیک‌ترشدن به انتخابات ریاست‌جمهوری۲۰۱۶ افزایش یابد. بدون‌شک ناآرامی‌های اخیر درخصوص اعتراض به کشته‌شدن سیاه‌پوستان به‌دست افسران پلیس در این مساله دخیل بوده است. با این وجود به نظر می‌رسد سال۲۰۱۵، برای اوباما از سال قبل بهتر باشد. تحلیلگران معتقدند که میزان محبوبیت شغلی او که قبل از انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره کاهش یافته بود، بار دیگر به ۵۰درصد یا حتی کمی بیشتر نیز برسد. اما با توجه به قطبی‌شدن جامعه آمریکا در حمایت از دموکرات‌ها و جمهوریخواهان نباید انتظار داشت که اوباما در سال۲۰۱۵ بتواند به میزان محبوبیت بیل کلینتون و بالای ۶۰درصد دست پیدا کند. اگرچه میزان تنفر از او نیز هرگز در سال آینده به میزان تنفر از «جرج‌دبلیو بوش» سلف اوباما به‌خاطر سیاست‌هایش در جنگ با افغانستان و عراق نخواهد رسید اما رییس‌جمهوری آمریکا اکنون وظیفه دشواری بر دوش دارد، او باید بتواند دموکرات‌ها را در قدرت نگه دارد. این در حالی است که اختلافات داخلی بر اردوگاه دموکرات‌ها سایه انداخته است و «هیلاری کلینتون» که زمانی کرسی وزارت خارجه را در اختیار داشت، رقابت سختی با «جو بایدن»، معاون اول اوباما خواهد داشت. اگر کلینتون به هردلیلی به این رقابت‌ها نیاید یا رای نیاورد، بایدن بدون هیچ رقیب جدی‌ای وارد کارزار انتخاباتی می‌شود. در حقیقت حضور بایدن در این رقابت‌ها برای دموکرات‌ها حکم دور سوم ریاست‌جمهوری اوباما را خواهد داشت.

نگاه

یونان بر سر دوراهی

آزاد حاجی‌آقایی

بیش از هفت‌سال است که راست‌های یونان چپ‌ها را در موضع اپوزیسیون قرار داده‌اند، اما انتخابات یونان درحالی یکشنبه آینده برگزار خواهد شد که نظرسنجی‌ها حاکی از پیشی‌گرفتن چپگرایان است. این انتخابات نه‌تنها برای یونانی‌ها بلکه برای تمامی نیروهای راستگرا در سرتاسر اروپا از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است زیرا چپگرایان یونانی احتمالا از سیاست‌های مالی دیکته‌شده از سوی نهادهای مالی بین‌المللی در سرتاسر اروپا فاصله خواهند گرفت و این پیام را به تمام این قاره می‌فرستند.

اقتصاد یونان که از سال ۲۰۰۸میلادی با بحرانی جدی دست‌به‌گریبان بوده است، اکنون نیز متعاقب تغییر چهره نخست‌وزیر و وزیر اقتصاد و چرخش قدرت از یک‌حزب چپگرا به‌سوی یک‌حزب لیبرال، یونان نه‌تنها توان بازگرداندن طراوت به زندگی اقتصادی را ندارد، بلکه وضعیت اقتصادی آتن به سمت فروپاشی حرکت می‌کند. در این میان تاکنون وام ۲۵۰میلیاردیورویی نتوانسته است در کاستن از ابعاد این بحران همه‌جانبه تاثیرگذار باشد چرا که شرایط سنگین خصوصی‌سازی، افزایش مالیات، اخراج کارگران، کاهش امکانات رفاهی، افزایش سود بانکی و مصادره منازل مسکونی کسانی که توانایی بازپرداخت وام‌های مسکن را نداشتند اوضاع را بسیار وخیم کرده است.

در برهه کنونی، تولید در یونان با افت ۳۰درصدی مواجه بوده و نرخ بیکاری به ۲۵درصد رسیده است و همچنین ۲۳درصد از مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند. با کاهش ۱۰درصدی ارزش بورس در بازارهای یونان در ابتدای سال‌جاری، بدهی‌های دولتی یونان به نهادهای مالی بین‌المللی نیز ۱۲درصد رشد داشته است. باوجود تمامی این آمارهای ناامیدکننده، نهادهای مالی مانند بانک‌جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانک مرکزی اروپا نه‌تنها نتوانسته‌اند گام موثری برای غلبه‌بر این بحران بردارند بلکه قطب‌بندی جامعه سیاسی یونان را بین دوحزب راستی «فجر طلایی» و حزب چپگرای «سیریزا» به رهبری «الکسیس تسیپرایس» تشدید کرده‌اند.

در ۲۵ژانویه، رای‌دهندگان یونانی باید برای انتخابات اعضای پارلمان به‌پای صندوق‌ها بروند. به نوشته اشپیگل، نظرسنجی‌های کنونی نشان می‌دهند که احتمالا حزب چپگرای سیریزا برنده خواهد شد. این حزب با ارایه برنامه‌ای رادیکالی مبنی‌بر حل مشکلات در بازه زمانی شش‌ساله درصدد است تا تمامی بدهی‌های مالی آتن را فسخ کند. افزایش حقوق کارمندان و کارگران، اخذ مالیات از ثروتمندان فراری و تاکید بر بازپرداخت بدهی‌های یونان بر اساس رشد اقتصادی و مقاومت در برابر نهادهای مالی بین‌المللی، بخشش بدهی ۳۵۰میلیاردیورویی، حذف بیکاری وسیع، کاهش مالیات، ارایه مواد خوراکی و مسکن به خیل بی‌خانمان‌ها همگی از جمله مواردی هستند که این حزب چپگرا وعده‌های اجرای آن را به مردم یونان داده است. بی‌گمان ارایه چنین برنامه رادیکالی‌ای می‌تواند خیل وسیعی از آرا را به‌سوی این حزب سرازیر کند.

اما با فرض به‌قدرت‌رسیدن چپ‌ها در یونان این کشور در چه مسیری گام خواهد نهاد؟ به ویژه اینکه پاسخ به این سوال را باید در پرتو تحولات آینده بررسی کرد اما می‌توان گفت که با به‌قدرت‌رسیدن این حزب چپگرا یونان عملا در مسیر تعارض با نهادهای مالی اتحادیه اروپا گام می‌گذارد. «انتوانس ساماراس»، نخست‌وزیر و نماینده احزاب هم‌پیمان در قدرت و «ژان کلود یانکر» ریاست کمیسیون اروپا چندان از این شرایط راضی نیستند و تلاش کردند تا بر نتیجه انتخابات تاثیر بگذارند. ساماراس با ابراز ناامیدی از شرایط موجود می‌گوید که اکثریت یونانی‌ها خواهان برگزاری این انتخابات نیستند.

ریاست کمیسیون اتحادیه اروپا نیز بر این باور است که یونانی‌ها باید به اتحادیه اروپا پایبند باشند و رای خود را به‌اشتباه به صندوق نریزند. این درحالی است که خواست حزب سیریزا برای باقی‌ماندن در حوزه یورو به‌عنوان پول رسمی با سیاست‌های اقتصادی این حزب چپگرا کاملا در تضاد است. حتی اگر پس از به‌قدرت‌رسیدن این حزب، چپگرایان یونان بتوانند به اختلاف گسترده بین دولت و اتحادیه اروپا و نهادهای مالی فایق آیند اما آتن همچنان با مشکلات پیچیده‌ای درگیر خواهد بود. در چنین شرایطی این حزب چپگرا ناچار است شرایطی را بپذیرد که حکومت راست‌گرای کنونی آن را به کار بسته است و این امر به‌معنای تداوم همان شرایطی است که یونان در شش‌ساله اخیر با آن دست‌وپنجه نرم کرده است. در غیر این‌صورت عدم تمکین دولت احتمالی یونان منجر به تقویت موضع کشورهایی مانند اسپانیا و پرتغال مبنی‌بر خروج از حوزه یورو خواهد شد.

بر این مبنا سوگیری اتحادیه قدرتمند اروپایی و ارزش پول یورو در مقابل پوند و دلار نیز رو به کاهش می‌گذارد. شاید به‌همین‌دلیل است که «آنگلا مرکل»، صدراعظم آلمان در ارتباط با یونان می‌گوید برای نجات یورو، آتن باید در حوزه یورو باقی بماند و هیچ بدیلی برای این مساله وجود ندارد. اما پافشاری این حزب چپگرا بر برنامه‌های رادیکال اقتصادی نیز یکی دیگر از احتمالاتی خواهد بود که اجرای عملی آن به انزوای این کشور و خروج از اتحادیه اروپا منتهی می‌شود.

آیا اراده دموکراتیک یونانیان، به سیاست‌های ریاضتی پشت خواهد کرد یا قوانین بازارهای مالی همراه با بی‌میلی دیگر کشورهای عضو حوزه یورو بار دیگر پول مالیات‌دهندگان را برای نجات یونان به این کشور سرازیر می‌کند؟